

نسخه‌های شفابخش برای یادگیری

(راهکارهایی برای درمان اختلالات خواندن و نوشتن دانش‌آموزان دبستانی)

با مقدمه ای از

دکتر غلامرضا رحیمی (استاد تعلیم و تربیت)

نویسنده : بهروز ایرماوی



نشر نهج

سرشناسه	: ایرملوی، بهروز، ۱۳۴۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: نسخه‌های شفابخش برای یادگیری: راهکارهایی برای درمان اختلالات خواندن و نوشتن دانش‌آموزان دبستانی / نویسنده بهروز ایرملوی؛ مقدمه توسط علیرضا رحیمی؛ ویراستار لیلا کربلایی حاجی.
مشخصات نشر	: تهران: موبسسه بین المللی مطالعاتی نهج البلاغه، انتشارات نهج، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۰ ص:، جدول.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۷۹۵-۱۱-۸ ۹۷۸-۶۰۰-۷۷۹۵-۱۱-۸ ریال
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
عنوان دیگر	: راهکارهایی برای درمان اختلالات خواندن و نوشتن دانش‌آموزان دبستانی
موضوع	: خواندن (ابتدایی)
موضوع	: Reading (Primary)
موضوع	: فارسی - رسم الخط و املا - راهنمای آموزشی (ابتدایی)
موضوع	: Persian language -- Orthography and spelling -- Study and teaching (Primary)
موضوع	: معلمان زبان فارسی - آموزش
موضوع	: Persian teachers -- Training of
موضوع	: یادگیری - اختلالات
موضوع	: Learning disabilities
موضوع	: نوشتن - شی
موضوع	: Dys.
موضوع	: - پریشی
موضوع	: Spelling ability
شناسه افزوده	: جی، ارف، ۱۳۴۸ - مقدمه نویسی
شناسه افزوده	: مرسه بین المللی مطالعه، نهج البلاغه، انتشارات نهج
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵، ص ۷۷/۸، L۷
رده بندی دیویی	: ۷۲/۶۰۷۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۵۴۳۱۰۸

نسخه‌های شفابخش برای یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی (راهکارهایی برای درمان اختلالات خواندن و نوشتن کودکان دبستانی)

نویسنده: بهروز ایرملوی
مقدمه: دکتر علیرضا رحیمی
ویراستار: لیلا کربلایی حاجی
طرح جلد: نهج
ناشر: نهج
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۷۹۵-۱۱-۸
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵
تیراژ: ۵۰۰
چاپ و صحافی: دیجیتال آبنوس
قیمت: ۱۸۰۰۰۰ ریال
Url: www.nbiri.com
e-mail: nahj.iri@gmail.com

حقوق چاپ و انتشار برای ناشر محفوظ است.

بخش توزیع نشر نهج: ۰۹۳۸۲۶۰۰۴۰۶ (قائم مقام) @Kghaemmagham تلگرام

بخش توزیع سایت آموزشی کارا فکر: ۰۹۱۴۹۱۸۳۳۶۳

حقوق نشر برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

۵	مقدمه به قلم دکتر علیرضا رحیمی
۱۰	مقدمه نگارنده
۱۳	سر آغاز

۲۱ خواندن

۲۱	خواندن و درک مطلب
۲۵	کسب مهارت خواندن ضروری زندگی
۲۷	اهداف آموزش خواندن در دبستان
۲۸	ارزشیابی توصیفی و ارتباط آن با خواندن
۳۱	ملاکهای تشخیص اختلال خواندن در مدرسه
۳۳	عواملی که در آموزش خواندن مداخله ضروری باشد
۳۵	انواع مشکلات خواندن و راهکارهای درمانی
۳۹	تمرینات مهم برای تقویت خواندن
۴۳	مراحل یادگیری مهارت خواندن
۴۶	۱۲ گام برای درمان اختلال در خواندن
۴۹	راههای درمان مشکلات خواندن در دوره ابتدایی
۵۲	تقویت حافظه شنیداری و حساسیت شنیداری
۵۵	پرورش حس بینایی
۵۹	تمرکز و حواس پنج گانه
۶۲	تسلط دانشآموزان بر روشهای تندخوانی

۶۳ نوشتن

۶۳	"دست خط" اولین مرحله نوشتن
۶۴	شرایط مؤثر بر بدخطی دانشآموزان
۷۰	مهمترین اختلالات نوشتن در دانشآموزان
۷۳	اشکال مختلف بدخط نویسی
۷۳	راهکارهایی برای تقویت دست خط کودکان
۷۵	نتیجهگیری
۷۶	خطاهای متداول در نوشتن
۷۷	مهمترین علل بدخطی دانشآموزان
۷۸	روشهای ترمیمی

۸۵	تقویت مهارت‌های حرکتی ظریف
۹۰	پرورش حرکات نوشتن با دیگر وسایل (تجارب موفق نگارنده)
۹۴	تمرینات تقویت حافظه شنیداری و تکلیفی جهت افزایش ادراک شنیداری
۱۰۰	تجربین ارزشمند نگارنده از مدارس ترکیه
۱۰۱	یک تمرین کاربردی
۱۰۳	یک تجربین موفق نگارنده از کشور آذربایجان
۱۰۴	تمرین تقویت هماهنگی دیداری حرکتی

۱۰۸ اختلالات املایی

۱۰۸	تعریف املاء
۱۰۸	ضرورت آموزش املاء
۱۰۹	منشأ اشکالات املاء
۱۰۹	انواع اشکالات املاء
۱۱۰	راهکارهای رفع اشکالات املاء
۱۱۱	املاء از طراحی تا طراحی
۱۱۲	آشنایی با انواع اختلالات دیکته نویسی
۱۱۸	شناخت واژه‌های «املاء»
۱۲۰	روشهای نوین املاء در ابتدایی
۱۲۹	نکته‌های مهم در املاء گویی
۱۳۱	روشهای تصحیح املاء
۱۳۲	اشکالات و اختلالات املایی
۱۳۴	درمان اختلالات املایی
۱۳۵	درمان و تقویت حافظه دیداری و توالی دیداری
۱۳۶	درمان تمییز دیداری
۱۳۶	درمان و تقویت حساسیت شنیداری
۱۳۸	تمریناتی برای تقویت املاء
۱۴۰	مشکلات املاء در پایه اول

به نام خداوند جان و خرد

مقدمه دکتر علیرضا رحیمی^۱

نقطه آغاز آموختن: پرسش‌های اساسی

نقطه‌ی آغاز، کم، چیست؟

ما اغلب، در ابتدای هر حرکتی، به پایان راه و هدف آن می‌اندیشیم. این درست است! اما درست‌تر این است که «آغاز» راه نیز، به اندازه هدف و «پایان»، اهمیت داشته باشد؛ زیرا جهت حرکت، سرعت حرکت و لوازم سفر، همه و همه، باید از همان ابتدا تدارک شود. این توجه به نقاط آغاز را ضروری می‌کند؛ و اساساً اندیشیدن به آن جزو اقدامات عقلانی انسان‌های عاقل است؛ همان‌طور که قرآن، «صاحبان رای و خرد» (اولوالالباب) می‌نامدشان.

هدف... آرمان... آرزوی ما چیست؟

تربیت، امری واقعی است و بر واقعیت‌ها تکیه دارد؛ اما مواضع و رویه‌های آرمان‌ها و اهداف متعالی داشته باشد. برای تربیت، باید واقعیت‌ها را شناخت؛ اما نباید به آنها اکتفا کرد؛ برابر آنها متوقف شد. بلکه باید به آرزوها و آرمان‌ها همچون اهدافی برای دست یافتن و نقاطی برای رسیدن توجه کرد.
و اکنون، آرزوی ما، تحقق تربیتی است که آثار آن در زندگی روزمره ما، فزاینده‌تر مشاهده شود. این، هر چند، هدفی بزرگ و گاه، آرزو و آرمانی عظیم بنظر می‌رسد، اما دست نیافتنی نیست.

برای رسیدن به این آرزوها چه نیازهایی داریم؟

آرزو، خواب و خیال نیست. آرمان و هدف، دست نیافتنی نیست. اما برای رسیدن به آن، باید از هفت خوان گذشت. باید تلاش کرد و کوشید و خسته نشد. راه، طولانی و سخت است اما آن را می‌توان پیمود؛ باید نخست، خود در طریق دانایی قدم برداریم تا سپس بتوانیم بر اساس دانش صحیح نظامی تربیتی بنا کنیم؛ تا فرزندانمان، در آن، بگونه‌ای تربیت شوند که بتوانند بر مبنای «خرد» زندگی کنند.

پس، دو گام اساسی پیش روی ماست: نخست باید «بدانیم» سپس باید بر مبنای این دانستن، «عمل» کنیم. این دانستن و این عمل کردن، هر دو مربوط به امر تربیت است؛ پس، آن را «دانش و اندیشه تربیتی» و این را «عمل تربیتی» می‌نامیم.

برای تحقق آرزوی بزرگ «زندگی خردمندانه»، باید «فهم زندگی» را خوب خوب بیاموزیم تا هم بر اندیشه و هم بر عمل تربیتی ما اثر بگذارد.

این فرایند یاددهی-یادگیری، این جریان آموختن، هم «معلم» می‌خواهد، هم «شاگرد»؛ هم «مربی» هم «مترد»... و باید بدانیم که همه مسئولیت‌ها متوجه «معلم» است؛ «مربی» اگر مسئولیتی داشت که دیگر شاگرد را!

این مسئولیت چه است؟

معلم، باید با تکیه بر دو مفهوم «دانش و اندیشه تربیتی» و «عمل تربیتی» در پی دستیابی به راه‌هایی باشد که مطابق آن بتوانند دانش «تعلیم و تربیت» را «مبنای منطقی و صحیح عمل تربیتی» خود قرار دهند. باید بتوانند تأثیر پیوند میان این نظر عمل را به واقعیت آموزش و کلاس درس بکشانند.

باید به معلمان کمک کنیم تا به جای تئوری‌های تربیتی آموزش توجه نموده و در فعالیت‌های آموزشی خود «ملاحظات تربیتی» را بکار گیرند. بنابراین سروری است که در باره «مبنای و اصول تعلیم و تربیت» و دانش‌های مرتبط با «فن آموزش» اطلاعاتی داشته باشیم.

به عنوان یک معلم، باید «آموزش» را بشناسیم.

باید بدانیم برای آموزش هر چیز، به چه چیزهایی نیاز است: باید بدانیم «چه چیزی را؟»، «چه کسی؟»، «به چه کسی؟»، «چرا؟»، «چگونه؟»، «کی؟»، «چه اندازه؟»... باید یاد بگیریم...

آموزش، به همه این‌ها احتیاج دارد و حتماً می‌دانید که این روزها، این یازده، شانزده و جدی‌تر است!... شما می‌خواهید به بچه‌ها «چگونه زیستن» را بیاموزید... و حتماً می‌دانید این «چگونه زیستن» است! بی‌تردید می‌دانید اقدامات شما در این زمینه، چقدر خطیر و سرنوشت‌ساز است!... و حتماً می‌دانید که خطا در این زمینه، به هستی و حیات انسان‌ها مربوط است!... شما با آموزش صحیح «زندگی» می‌توانید «زندگی» بسازید و با آموزش ناصحیح آن، «زندگی» را به نیستی و نابودی بکشانید!!

برای "آموختن برای زیستن" باید مهیا شویم!

می‌خواهیم «زندگی» را به دیگران یاد بدهیم؟ این را وظیفه و مسئولیت خود می‌دانیم؟ می‌خواهیم به معلم بودن افتخار کنیم؟... این، بسیار خوب و ستودنی است، اما، بد نیست از خود پرسیم آیا کوله‌بارمان برای این سفر آماده است؟ آیا مہیای این اقدام خطیر هستیم؟... آیا با مبنای، اصول و روش‌های آموزش، با مبنای و اصول تربیت و با علوم تعلیم و تربیت آشنایی داریم؟ آیا بر روش‌های خاص آموزش «چگونه زیستن» تسلط داریم؟

باید بدانیم که بدون این دانش‌ها و توانایی‌ها، ممکن است خطا کنیم!.. مبدا به جای حیات بخشیدن، در عمل، انحراف و کژری بیافرینیم!

نخستین گام آمادگی برای آموزش «زندگی» به دیگران، این است که بدانیم چه نیازها، چه کمبودها و چه نقایصی داریم.

برای آموزش، ابتدا باید به سؤال‌های اساسی پاسخ داده شود.

معلم، نخست باید در باره «محتوای آموزش» بداند و بیندیشد... دوم اینکه باید در باره «آموزش» بداند: ما باید بدانند، «چه چیزی را؟»، «چه کسی؟»، «به چه کسی؟»، «چرا؟»، «چگونه؟»، «کی؟»، «چه اندازه؟». باید یاد بدهد.

پاسخ، سؤال، اساسی به ما کمک می‌کند مسیر آموزش را به سهولت و به درستی طی کنیم.

چه چیزی را؟ وقتی «چه چیزی را؟» مقصودمان این است که قرار است چه محتوایی آموزش داده شود و چه چیزهایی آموزش داده نشود. معنی به این سؤال، طیف وسیعی از موارد دانستگی را در بر می‌گیرد.

چه کسی؟ این سؤال، یعنی چه کسی می‌تواند و صلاحیت دارد که آموزش دهد؟ معلم باید از چه توانایی‌ها و دانایی‌هایی برخوردار باشد؟ چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟ نیاز یک معلم به تمامی «دانایی‌ها»، «توانایی‌ها» و «خصایص و ویژگی‌ها» در این جا مطرح می‌شود.

به چه کسی؟ این سؤال مربوط به است به شاگرد، در این جا باید شاگرد را بشناسیم. ویژگی‌های روحی و روانی، توانایی‌ها و محدودیت‌های شناختی، ویژگی‌های عاطفی و هیجانی، «شناختن «مترقی»، تربیت، کور، گنگ و علیل است!

چرا؟ چرا باید آموزش داد؟ یادگیری چه اثری در زندگی ما و فرزندانمان دارد؟ این، مربوط است به فلسفه و هدف اساسی آموزش، اهمیت و ارزش آن و...

چگونه؟ این، سؤالی بسیار مهم و اساسی است که بخش بزرگی از تلاش معلم باید مصروف پاسخ‌گویی به آن گردد زیرا پاسخ این سؤال با نحوه‌ی آموزش از سوی معلم و میزان یادگیری از سوی شاگرد بستگی تام دارد... و حتماً می‌دانید که آموزش یک سوی ماجراست و یادگیری سوی دیگر آن. یعنی بدون یادگیری - از سوی شاگرد - تمام زحمت آموزش - از سوی معلم - بی‌نتیجه می‌ماند و هدر می‌شود!

کی؟ تا کی؟ چه اندازه؟ با چه ابزاری؟ ... این‌ها سؤالات عقلانی ریز و درشتی هستند که پیش از هر اقدام آموزشی، باید توسط معلم، پاسخ داده شوند.

نقطه پایان آموزش: امید به یادگیری!

از یاد دادن تا یاد گرفتن!

مربیان و دانشجو-معلمان باید به این نکته اساسی دقت کنند که یاد دادن و آموزش عملی است که معلم انجام می‌دهد و به اصطلاح "امری معلمانه" و مربوط به "طرف آموزش"^۲ است اما یادگیری، تغییری است که در افراد تحت آموزش یعنی در شاگردان بوجود می‌آید و امری است که اصطلاحاً مربوط می‌شود به "طرف یادگیری"^۳

همانطور که در بند قبل نیز گفته شد آموزش یک واقعیت است و یادگیری واقعیتی دیگر. ممکن است همه چیز یکی! این واقعیت‌ها درست و کامل باشد اما ضرورتاً همه چیز واقعیت دیگر، همانی نباشد که مورد انتظار است. بنابراین یادگیری همیشه برابر با یاددهی نیست!

گاهی بین عده "ناوی میان یاددهی و یادگیری ممکن است خودخواسته و حاصل عزم و اراده یاددهنده و یادگیرنده باشد و گاهی هم خارج از اراده آنها!

اختلال در یادگیری: از "نوک معنا" درمان

اختلال یادگیری یکی از نمونه‌ای از عدم تعادل و تساوی میان یاددهی و یادگیری است... و اغلب، این گونه تصور می‌شود که امری است... به آن بخششایی از شخصیت یادگیرنده که خارج از اراده و قدرت تصمیم‌گیری اوست.

پارهای صاحب نظران، آن را "علت" عدم دست‌یابی به اهداف یادگیری می‌دانند و برخی نیز ممکن است آن را "نشانه" ناتوانی در یادگیری قلمداد کنند... علل آن را گاه‌لا غیر ارادی و مثلاً ناشی از بیماری تلقی می‌کنند و عده‌ای ممکن است آن را حاصل اراده‌ای پنهان برای "خرمیت" در برابر آموختن تلقی کنند... عده‌ای آن را بیماری و عده‌ای آن را حاصل بیماری می‌دانند! و...

من معتقدم، انسان می‌تواند از طریق آگاهی، بسیاری از اموری را که ماهر شمول اراده‌های انسانی نیستند، تحت این امور قرار دهد... مقصودم این است که می‌توان بسیاری از مشکلاتی را که مولا آنها را خارج از اراده خود می‌دانیم (یعنی آنها را قهری و قسری و اجباری تلقی می‌کنیم) به اموری آگاهانه و تحت تاثیر آگاهی و اراده خویش تبدیل کنیم... این توانایی در انسان هست که دایره اراده خویش را گسترش دهد... به این تعبیر، دایره اراده آدمی توسط خود او قابل توسعه و گسترش است.

و اکنون اگر کسی بتواند از طریق آگاهی دادن به دیگران، به آنها یاد دهد که اموری را که از اراده خویش خارج می‌دانند، آگاهانه و با تصمیم، تحت اراده خویش قرار دهند؛ دایره اراده آنها را گسترش داده است. به عبارت دیگر، حوزه امور ارادی انسان با تعلیم و تربیت قابل توسعه است. و یک معلم می‌تواند شاگردان خویش را را

^۲ Teaching side

^۳ learning side

در "یاد دادن به خویش" توانا نموده و این امکان را برای آنها فراهم آورد که آنان با آگاهی، مربی خویش شوند و خودشان را به آرامی رشد دهند.^۴

از این رو، بجز مواردی که اختلال در یادگیری به علت مشکلات جسمانی یا روانی حاد از جمله بیماری‌های جسمی یا روانی ایجاد شده است، در بسیاری از موارد، کاهش و حتی رفع اختلال‌های یادگیری، با شیوه‌هایی معلمان، یعنی از طریق آموزش و اقدامات تربیتی امکان‌پذیر است. این اقدامات، به عقیده من، همان رفتارهایی است که یک معلم آگاه و صبور را از معلمی ناتوان و سطحی‌نگر و عجول متمایز می‌سازد. اقداماتی تربیتی که باعث می‌شود دایره اراده شاگرد برای تسلط بر خود گسترش یابد، این، همان وظیفه بزرگی است هر معلم، باید در کلاس درس و هر یک از والدین در منزل، آن را ایفا کنند، چیزی که تحت عنوان "ایجاد انگیزه برای یادگیری"^۵ از آن یاد می‌شود.

این کتاب، به دستور،^۱ یک معلم نگاشته شده است مسلماً نمی‌تواند و نباید مدعی ارائه راه کارهای درمانی برای اختلالات یادگیری یا بیماری‌های جسمی و روحی کودکان سیماری‌ها و نارسایی‌هایی که مشکلات حاد در زمینه یادگیری ایجاد می‌کند،^۲ باشد، زیرا بی‌تردید، این، کار یک معلم نیست! اما می‌تواند پیشنهاد دهنده آن دسته از اقدامات تربیتی باشد که موجب تقویت اراده شاگرد در رفع اختلالات یادگیری خود می‌شود؛ فعالیت‌هایی برای آموزش به کودکان در زمینه بهره‌گیری از اراده خویش برای رفع مشکلات یادگیری خویش... و این یکی از بهترین اقدامات معلمان تلقی می‌شود. نویسنده محترم که از معلمان کارآزموده و صاحب تجربه است از پس این ادعای خطیر بر آمده باشد و راهنمای خوبی برای مربیان و والدین تلقی شود.

دکتر علیرضا رحیمی

دی ماه ۱۳۹۵

^۴ در این باره مراجعه کنید به کتاب: منشور تربیت علوی، نوشته دکتر علیرضا رحیمی، از انتشارات نهج

^۵ Motivation to learn

برنامه خالق فکرهای زیاده‌فلاق

مقدمه: نگارنده

اولیای دانش آموزان فکر می‌کنند اختلال یادگیری مربوط به تعداد محدودی از دانش‌آموزان بوده و فرزند آنها را شایسته نامرشد در حالی که در ایران بیش از ۹۰ درصد دانش‌آموزان به نوعی با مشکلات یادگیری روبرو هستند که در این مشکلات یادگیری از پیش‌فعالی گرفته تا مهارت‌های زندگی و دست‌ورزی و مشکلات یادگیری خاص، خواندن و درک مطلب و نوشتن و دست‌خط و... می‌باشد پس عاقلانه‌ترین کار این است که زود و آگاهانه و درمان دست به کار شویم و گرنه فردا خیلی دیر است و جبران ناپذیر.

با شروع هر سال تحصیلی کودکانی را می‌بینم که هر کدام با مشکلات خاصی وارد مدرسه می‌شوند گاهی مشکلات آنها آشکار و برجسته، و گاهی به صورت پنهان و با مرور زمان خودش را نشان می‌دهد این مشکلات به دو بخش تقسیم می‌شود مشکلات رفتاری و دیگری مشکلات یادگیری که حالا این دو مشکل هم به نوبه‌ی خود به چند بخش اصلی و جزئی از طیف اختلالات قابل تقسیم می‌باشد اما در این کتاب بیشتر به مشکل دوم یعنی مشکلات یادگیری حالا به عنوان اختلالات یادگیری یا ضعف یادگیری می‌پردازم با مشاهده‌ی دانش‌آموزانی که در خواندن، نوشتن، املا و دست‌خط و مشکلات یادگیری دارند و دائما اولیای آنها را می‌بینم که با ابراز نگرانی و ناراحتی از آینده‌ی فرزندانشان، باید تحصیل و یادگیری دانش‌آموزان را در جهت منفی، دانسته یا نادانسته سوق می‌دهند با مشاهده‌ی ضعف یادگیری در هر یک از مواد درسی که امروزه بر اساس آخرین یافته‌های مدرسه‌ای و دانشگاهی، ضعف در خواندن و درک مطلب، املا و نوشتن و دست‌خط بسیار پررنگ‌تر شده است و البته ریشه‌ی ضعف این دروس از خواندن و درک مطلب ناشی می‌شود و به خصوص مشکل خواندن و درک مطلب در مناطق دوزبانه این روزها در حال پیشرفت است.

معلم‌ان با مشاهده‌ی چنین ضعف‌هایی و ناتوانی یادگیری اولین تصمیمی که به ذهنشان می‌آید، معرفی این دانش‌آموزان به مراکز اختلالات یادگیری در هر شهر می‌باشد و اولیاء فرزندانشان را بعد از ساعات مدرسه به این مراکز می‌برند به امید اینکه وضع یادگیری آنها بهبود یابد و مشکلاتشان برطرف گردد. اما نویسنده به عنوان یک معلم چندین سال با این دانش‌آموزان و اولیاء در ارتباط بوده. متأسفانه به جای

برطرف شدن مشکل یادگیری دانش‌آموزان یک سری از مشکلات یادگیری و حتی رفتاری آنها اضافه می‌شود و این دانش‌آموزان با مراجعه به چنین مراکزی به دلیل جدا شدن از محیط اصلی آموزش خود و جدا شدن از دوستان و طی کردن مسیری متفاوت، و وارد شدن به فضای متفاوت، مشکلاتی از قبیل: افسردگی، ضعف در اعتماد به نفس، احساس شکست و ناتوانی، گوشه‌گیری، پرخاشگری گریبان‌گیر دانش‌آموز می‌شود.

واقعیت این است که با حجم زیاد مطالب درسی و مشکل شدن دروس، معلمان ما فرصت رسیدگی خاص به دانش‌آموزان از این قبیل را ندارند. البته رسیدگی به این دانش‌آموزان مطالعات و تخصص‌های خاص را می‌طلبد، که معلمان عادی ما ندارند مگر این که مطالعه‌ی آزاد داشته باشند و یا به آموزش و روش استثنایی و یا اختلالات یادگیری و روش‌های تشخیص و درمانی آن مسلط باشند که متأسفانه بیشتر معلمان ما کلاً در همان برنامه‌ی درسی متداول در مدارس تعریف و تدوین شده و اقدامات خاصی برای رسیدگی به این دانش‌آموزان که در دروس ریاضی، املا، خواندن و نوشتن مشکل دارند تدوین و تعریف نشده است. بخشی از این دانش‌آموزان با وجود مراجعه به مراکز اختلالات یادگیری نه تنها مشکلاتشان حل نمی‌شود بلکه بدتر هم می‌شود. بخشی دیگر چون سیستم غربالگری در پایه‌های بالاتری وجود ندارد با توصیفی سن نمرات به راحتی و با داشتن مشکلات اساسی یادگیری قبول شده، به پایه‌های بالاتر می‌روند و این مشکلات ادامه پیدا کرده و رفته رفته بر وزن و حجم و تعداد و مشکلات یادگیری آنها افزوده می‌شود. در دوره‌ی راهنمایی با سخت‌تر شدن تحصیلی شدیدی روبرو می‌شوند که دیگر قابل جبران نمی‌باشد و با سرنوشت این دانش‌آموزان گره می‌خورد.

نویسنده با مشاهده‌ی بسیاری از این تباهی‌ها، افت تحصیلی‌ها و حتی ترک تحصیلی‌ها، به این نتیجه رسیده که در همان دوره‌های پیش دبستانی تا پنجم و ششم ابتدایی می‌توان با شناخت ضعف‌ها و مشکلات، راهبردهای یادگیری و راهکارهای درمانی را برای حل فردی این اختلالات به کار بست و از گسترده‌ی و عمیق‌تر شدن آن جلوگیری کرد.

در حال حاضر، میلیون‌ها دانش‌آموز در کشور ما در حال تحصیل هستند، روز به روز تعداد دانش‌آموزانی که مشکلات یادگیری دارند افزوده می‌شود، و این در حالی است که ساز و کارها و سیاست‌های تخصصی و جدی و فراگیر وجود ندارد، بهتر بود این حمایت و تقویت از طرف مدارس انجام می‌گرفت و معلم همان دانش‌آموز با بسته‌های آموزشی و گذراندن دوره‌های تخصصی اختلالات یادگیری اقدام به حل مشکلات این دانش‌آموزان می‌کرد ولی خوب حالا چه کار باید کرد؟ ما که اکنون دانش‌آموزانمان در حال گذر از این مراحل هستند و این سیستم هم‌چنان می‌چرخد، اما نقش من معلم و اولیاء چه می‌تواند باشد؟

در سیستم آموزشی فعال و پویا، اولیاء نقش معلمی را دارند. باید اینجا علاوه بر همکاری معلمان علاقمند و دلسوز، اولیای دانش‌آموزان، اگر خواهان حل مشکل یادگیری فرزندانشان هستند، باید وارد میدان شده و نقش فعال خود را ایفاء کنند. بسیاری از اولیاء فکر می‌کنند وارد شدن به این عرصه بسیار سخت و پیچیده است اما این طور نیست.

بسیاری از دانش‌آموزان را یا به طور شخصی و یا با آموزش دادن اولیای آنها که بیشتر از طریق نوشته و جزوه‌های آموزشی صورت می‌گرفت، مشکلاتشان را حل نمودم و مطمئنم اولیای عزیز با مطالعه‌ی این کتاب و معرفی این کتاب به سایر دوستان و آشنایان، در رشد و بالندگی فرزندان عزیزمان مشارکت داشته باشند. لذتی که یک دانش‌آموز از یادگرفتن می‌برد، برای اول و آخر همه‌ی ما بس است.

این کتاب عصاره‌ی چندین جلد کتاب می‌تواند باشد که با مطالعه‌ی آن دغدغه‌ها و نگرانی‌های یادگیری و تحصیل دانش‌آموزان برطرف خواهد شد.

این کتاب می‌تواند مورد استفاده‌ی دانش‌آموزان عادی، تیزهوش و یا دانش‌آموزانی که به نوعی در یادگیری مشکل دارند، مورد استفاده قرار گیرد. کتاب جامعی است که برای هر مدرسه و معلم و اولیاء بسیار سره‌س و کاربردی می‌باشد.

نکته‌ی مهم این کتاب این است که به نکات کلیدی و کاربردی تاکید کرده است و با زبان بسیار ساده که قابل استفاده برای همه می‌تواند باشد تدوین گردیده است.

www.ketaboo.ir